

ORIGINAL ARTICLE

Component Analysis of the Concept of "Jonah" in the Holy Quran by Examining Historical Etymology and Synchronic Semantics

Hadis Riahy¹, Farideh Amini^{2*}, Bibi sadat Razi bahabady³

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Farideh Amini
Email: famine@alzahra.ac.ir

Received: 31 Mar 2023
Accepted: 15 Jan 2025

How to cite

Riahy, H., Amini, F. & Razi Bahabady, B.S. (2025). The Study of Seyyed Mohammad Hussein Fadlallah's View in Employing Estihai Method in His Min wahy al-Qur'an (Case Study: Surah Al-Jumu'ah). Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 14(1), 63-76. (DOI: [10.30473/quran.2025.68433.3289](https://doi.org/10.30473/quran.2025.68433.3289))

ABSTRACT

Jonah is one of the words in the semantic field of the concept of sin in the Holy Quran. To explain any concept in the semantic system of the Holy Quran, in addition to focusing on its co-occurrences, paying attention to the meaning of the word in its etymological origin is of particular importance, in which historical etymology will manifest itself. This study is responsible for explaining and refining the meaning of Jonah in the Holy Quran using semantic methods and examining its genealogy in Semitic languages. Etymological data indicates the use of the root of Jonah in the concepts of mountain, darkness of night, and intense darkness in Semitic languages, in which the components of heaviness and darkness are prominent, and the study of co-occurrence relationships also speaks of the presence of the components of heaviness and prohibition in the context of the Holy Quran. Tracing the component of heaviness in Semitic languages strengthens the use of the root of this word in Arabic family languages. Substitute words indicate the presence of two components of harm and narrowness in Jonah, and contrasting relationships also confirm the presence of the component of constriction and blockage in its semantic context, which is evidence of the component of prohibition in deepening co-occurrence relationships.

KEYWORDS

Collocational relationships, historical etymology of jonah, jonah, Holy Quran.



«مقاله پژوهشی»

تحلیل مؤلفه‌ای مفهوم «جناح» در قرآن کریم با واکاوی ریشه‌شناسی تاریخی و معناشناسی هم‌زمانی

حدیث ریاحی^۱، فریده امینی^{۲*}، بی بی سادات بهابادی^۳

چکیده

جناح از واژه‌های حوزه معنایی مفهوم گناه در قرآن کریم است. برای تبیین هر مفهوم در نظام معنایی قرآن کریم علاوه بر تمرکز بر باهم‌آیندهای آن التفات به معنای واژه در نیای آن از اهمیت خاصی برخوردار است که در این راستا ریشه‌شناسی تاریخی خودنمایی خواهد کرد. این مطالعه عهده‌دار تبیین و تدقیق معنای جناح در قرآن کریم با روش‌های معناشناسی و بررسی تبارشناسی آن در زبان‌های سامی است. داده‌های ریشه‌شناسی از کاربری نیای جناح در مفاهیم کوه، تیرگی شب و تاریکی شدید در زبان‌های سامی حکایت دارد که در این معانی مؤلفه‌های ثقالت (سنگینی) و ظلمت خودنمایی می‌کند و تتبع روابط هم‌نشینی نیز از وجود مؤلفه‌های ثقالت و منع در بافت قرآن کریم سخن می‌گوید. ردیابی مؤلفه سنگینی در زبان‌های سامی، سبب تقویت کاربری نیای این واژه در زبان‌های خانواده عربی می‌شود. واژگان جانشین از وجود دو مؤلفه ضرر و تنگی در جناح حکایت می‌کند و روابط تقابلی نیز مؤیدی بر وجود مؤلفه گرفتگی و انسداد در بافت معنایی آن است، که شاهدهی بر مؤلفه منع در تعمق روابط هم‌نشینی است.

واژه‌های کلیدی

روابط هم‌نشینی، ریشه‌شناسی تاریخی جناح، جناح، قرآن کریم.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

فریده امینی

رایانامه: famine@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

استناد به این مقاله:

ریاحی، حدیث؛ امینی، فریده و بهابادی، بی بی سادات (۱۴۰۳). تحلیل مؤلفه‌ای مفهوم «جناح» در قرآن کریم با واکاوی ریشه‌شناسی تاریخی و معناشناسی هم‌زمانی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۱)، ۶۳-۷۶.

(DOI:10.30473/quran.2025.68433.3289)



پیشینه

شناخت دقیق شبکه معنایی هر واژه در قرآن کریم، با کاربری معناشناسی در زمانی و هم‌زمانی، در سه گام محقق می‌شود؛ نخست تبارشناسی واژه و شناخت هسته معنایی آن در زبان‌های سامی (معناشناسی در زمانی)، دوم، ارزیابی آراء لغویون و تشخیص سیر تغییر معنایی آن در آراء آنان و در نهایت تعیین مؤلفه‌های معنایی آن با بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی.

هر چند در شناخت حوزه معنایی گناه در قرآن کریم در فرهنگ‌ها و تفاسیر فراوان سخن رفته، اما بیان دقیق شبکه معنایی هر واژه در این حوزه با کاربری روش‌های جامع معناشناسی، صرفاً دو پژوهش با عنوان «صورت‌بندی گناه در قرآن بر مبنای معناشناسی ذنب» به قلم فاطمه آگهی و مهدی جلالی (مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۱۳۹۸: ش ۶۶) و «معناشناسی ساختگرای مفهوم سینه در قرآن کریم» با تلاش فاطمه عشقی و محمد علی خوانین‌زاده (دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۹: ش ۲۰) را می‌توان نام برد. هادی جاهد، نیز در مقاله «بررسی خاستگاه بومی لفظ جناح با رویکرد حذف‌شناسی» به دسته‌بندی نظریات زبان‌شناختی درباره این واژه می‌پردازد (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷: ش ۲).

همسو با مطالعه پیش‌رو، مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه جناح بر مبنای رویکرد ساخت‌گرا» به کوشش یدالله رفیعی و لیلا جدیدی به رشته تحریر در آمده است (مجله مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، ۱۴۰۱: ش ۲). اما امروزه بیشتر پژوهشگران عربی با تردید، اساس لفظ جناح را معرب پارسی می‌دانند و هم‌رأی با افرادی چون دوخویه^۱ و مونت^۲ معتقدند ریشه‌های برخی از الفاظ بنیادین قرآن کریم پیوند مفهومی فرهنگ ایرانی و هندی در انتقال تدریجی به تمدن نوین عربی بوده است و الفاظی که در دوره اسلامی در بین‌النهرین و سریان و نیز الفاظی که پس از آن در تاریخ اسلامی روایت شده بر آن اضافه گشته است (Esposito, 2003: 5, 11, 26). لذا فرضیه هندی و فارسی بودن ریشه این واژه محل تردید است. لذا بررسی ریشه این واژه در زبان‌های سامی و تطبیق آن با بافت قرآن کریم ضروری می‌نماید. اگر مؤلفه‌های معنایی این واژه در قرآن کریم در زبان‌های سامی نیز کاربرد داشته باشد، مؤیدی است بر تقویت فرضیه‌ای که به تشکیک هندی و فارسی بودن ریشه این واژه پرداخته است.

پژوهش حاضر در جهت تکمیل و ارتقاء بررسی شبکه معنایی جناح، با تبارشناسی این واژه در زبان‌های سامی (سبئی، گجز، اکدی، عبری و آرامی) به بررسی نیای آن، در جهت تدقیق هسته معنایی آن و ارزیابی آراء لغویون همت گماشته است و سپس با بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی به تعیین مؤلفه‌های معنایی آن می‌پردازد. لذا نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

۱. بررسی هسته معنایی واژه در زبان‌های سامی (سبئی، گجز، اکدی، عبری و آرامی).

۲. ارزیابی آراء لغویون با دریافت‌های ریشه‌شناسی.

۳. بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی و استحصال مؤلفه معنایی حاصل از این روابط.

۴. برون‌آوری مؤلفه معنایی حاصل از بررسی روابط تقابلی.

بیان مسأله

گناه، از مفاهیم کلیدی و پرسامد در کتب آسمانی است. در قرآن و عهدین قریب ۲۰ واژه متفاوت مفهوم گناه را تداعی می‌کند (Lipinski, 2007: 18/621). در قرآن کریم، ۱۳ واژه در حوزه معنایی گناه به کار رفته است، لذا در بحث از آن با حوزه معنایی گسترده‌ای روبه‌رو هستیم که در آن مفاهیم متعدد به یکدیگر پیوند خورده است. این تنوع نبایست نادیده انگاشته شود؛ بلکه باید هر واژه در بافت و زمینه خود و با التفات به هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی بررسی شود.

یکی از واژگان پرکاربرد این بافت معنایی جناح است. ریشه جناح در قرآن کریم ۲۵ بار به صورت جناح (اسم مصدر) و در تمامی موارد با لای نفی و لیس به کار رفته است. این ریشه به شکل جناح (اسم جامد) ۵ بار به صورت مفرد و یکبار به صورت مثنی کاربرد داشته است (عبدالباقی، ۱۴۱۷: ۳۹۸). شکل فعلی این ریشه تنها در یک آیه (انفال/۶۱) به صورت مجزوم در محل جواب شرط به کار رفته است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۱۰). لازم به ذکر است که کاربری فعلی آن با توجه به بافت آیه به معنی تمایل/دشتن است و در معنای گناه کردن کاربرد نداشته است.

معناشناسی با بهره از ابزارهای زبان‌شناسی می‌تواند صورت‌بندی دقیق‌تری از معنای یک واژه بیان کند. معناشناسان می‌کوشند برای تدقیق معنای واژه‌ها مفهوم آن‌ها را به مؤلفه‌هایی تجزیه کنند. معنای هر واژه از مؤلفه‌هایی ترکیب یافته است که می‌توان آن‌ها را از طریق

واژه با واژه‌های دیگر در سطح جمله و متن یعنی روابط هم‌نشینی و سیاق بررسی می‌شود. روابط هم‌نشینی، یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام بوده و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. معناشناسی از وجود سه نوع رابطهٔ مکملی، اشتدادی و تقابلی میان دو واژه بحث می‌کند. مراد از روابط مکملی، نوعی از روابط معنایی است که برپایهٔ ساختار نحوی بین دو واژه برقرار می‌گردد. رابطهٔ اشتدادی، رابطهٔ دو مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند و در مقام تقویت و معاضدت یکدیگرند. تقابل معنایی نیز، رابطهٔ دو مفهومی است که مؤلفهٔ معنایی مشترک دارند ولی یکدیگر را نقض و در مقام تضعیف و نفی هم هستند؛ به عبارتی در عین اتحاد در کلیت معنا، از دیگر جهات با یکدیگر افتراق دارند (هرفور، ۱۹۸۳: ۸۲-۶۷).

در معناشناسی زبانی به فرآیند هم‌نشین شدن واحدهای واژگانی بر روی محور هم‌نشینی، هم‌نشین معنایی گویند (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۶). رابطهٔ جانشینی رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هریک از الفاظ یک زنجیره‌ی کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند (همان: ۱۲۶). به عبارت دیگر جانشینی معنایی، انتخاب و جایگزینی یک نشانه به جای نشانه‌ای دیگر برحسب تشابه است (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۶۹).

در این مقاله علاوه بر ریشه‌شناسی تاریخی واژه جناح از کاربرد معناشناسی ساختاری با تأکید بر واژگان هم‌نشین و جانشین برای تعیین شبکهٔ معنایی این واژه در قرآن کریم بهره می‌بریم. لذا در این پژوهش در ۳ گام به بررسی مؤلفه‌های معنایی جناح پرداخته می‌شود، که عبارتند از:

۱. مطالعهٔ در زمانی مفهوم جناح در زبان‌های سامی.
۲. حوزهٔ معنایی جناح در کتب لغت زبان عربی.
۳. مطالعهٔ هم‌زمانی شبکهٔ معنایی جناح و بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی.

۲. بررسی مؤلفه‌های معنایی جناح

در این بخش به منظور یافتن مؤلفه‌های معنایی جناح در زبان عربی در گام نخست به بررسی وجود نیای این واژه در زبان‌های سامی پرداخته می‌شود و سپس با نگاهی به نظرات لغت‌شناسان، وجود یا عدم وجود تعدد معنا در یک زمان و سیر تطور معنایی در طول زمان، توضیح و بسط معنایی، را در می‌یابیم.

تحلیل مؤلفه‌های بازساخت (صفوی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). منظور از تحلیل مؤلفه‌ای، تحلیل مفهوم یک واژه برحسب اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن است که روابط هم‌نشینی واژه‌ها ابزاری مناسب برای آن است (لایتنر، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

مطالعهٔ کنونی را می‌توان کوششی برای تدقیق معنای جناح در صورت‌بندی مفهوم گناه در قرآن کریم دانست. پژوهش حاضر تحلیل واژگان هم‌نشین و جانشین و بررسی معنای ریشهٔ آن در زبان‌های باستانی، مؤلفه‌های معنایی بنیادین این واژه در قرآن کریم را دنبال می‌کند تا از این طریق به درک صحیحی از مؤلفه‌های معنایی جناح دست یابد. هدف آن است که دریابیم: اولاً بررسی زبان‌های سامی چه مفهومی برای نیای جناح در این خانوادهٔ زبانی آشکار می‌کند و آیا این مفهوم در فرهنگ قرآنی قابل ردیابی است، ثانیاً آیا آراء لغویون در بیان معنای جناح دارای بسط و توضیح معنایی است و ثالثاً مؤلفه‌های معنایی جناح در قرآن کریم با بهره‌گیری از مفاهیم هم‌نشین، جانشین و تقابلی چگونه تحلیل و ترسیم می‌شود. ره‌آورد چنین کوششی ترسیم صورت‌بندی گناه براساس مفهوم جناح در قرآن کریم است.

۱. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر به جهت بررسی ریشهٔ واژه در زبان‌های سامی از ریشه‌شناسی تاریخی و به منظور تعیین مؤلفه‌های معنایی جناح در قرآن کریم، با جستاری در واژه‌های هم‌نشین و جانشین، از معناشناسی ساختاری بهره می‌بریم.

در مطالعات در زمانی به ریشه‌شناسی تاریخی پرداخته می‌شود. در این مطالعه به تغییرات معنای واژه و فرآیند ساخت آن در طول زمان و نیز ریشهٔ اصلی واژه و وام‌واژه بودن آن پرداخته می‌شود. هر زبان به دلیل موقعیت جغرافیایی و امکان وام‌گیری و اثرگذاری می‌تواند واژه را از نیای زبانی خود دریافت کند. در پژوهش حاضر به بررسی امکان ردیابی جناح در زبان‌های سامی و تطبیق مؤلفه‌های آن با بافت قرآن کریم پرداخته می‌شود. زبان‌هایی را که از مدیترانه تا فرات و از بین‌النهرین تا جنوب عربستان مورد استفاده بودند، زبان سامی می‌نامند که بعضی از آن‌ها مرده و بعضی دیگر تاکنون زنده‌اند. زبان‌هایی مانند اکدی، عبری، آرامی، سریانی، حبشی و عربی (پالمر، ۱۳۸۱: ۸).

برای بررسی یک واژه در قرآن کریم افزون بر مطالعهٔ در زمانی، نیاز به مطالعهٔ هم‌زمانی ضروری می‌نماید که در این نوع مطالعه، واژه در ساختار قرآن بررسی می‌شود. به این معنا که ارتباط یک

۱-۲. مشتقات ریشه جنج در زبان‌های سامی

زبان عربی در کنار زبان‌هایی مانند عبری، آرامی، اکدی، فنیقی و... یکی از شاخه‌های زبان‌های سامی به شمار می‌آید و زبان سامی در کنار زبان‌های مصری، بربری، کوشی و چادی شاخه‌ای از زبان‌های آفرآسیایی است. زبان هریک از اقوام آسیایی پس از هجرت از موطن اولیه در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شد؛ برخی واژگان دچار توسعه یا تضییق معنایی شدند، واژگانی فراموش شدند و واژگان جدیدی در بستر جغرافیایی، فرهنگی و زمانی جدید شکل گرفتند. این تغییرات زبانی با تغییرات صرفی، نحوی و آوایی همراه بودند، تا آنجا که زبان هریک از اقوام همچون زبانی مستقل شکل گرفت. با این حال همچنان اشتراکاتی میان این زبان‌ها به وضوح دیده می‌شود که نتیجه تاریخ مشترکشان در اعصاری کهن‌تر است (آذرنوش، ۱۳۸۳: ۱۸۲). بررسی این اشتراکات به جهت دریافت هسته معنایی یک واژه و اعتبارسنجی مؤلفه‌های معنایی آن در کتب لغت ضروری است.

در معتبرترین فرهنگ‌های سبئی^۳ موجود (Beeston, 1982: 207) که از گویش‌های اصلی عربی جنوبی کهن است، واژه‌ای در مقوله صرفی اسم با شکل آوایی Jonah وجود دارد که در معنای کوه کاربرد داشته است. در همین زبان واژه‌ای به شکل آوایی janah و به معنای پرنده‌های شکاری نیز کاربرد داشته است (Beeston, 1982: 211) و از این منظر شاید بتوان گفت نیای این دو با هم متفاوت است.

در معتبرترین فرهنگ‌های زبان گعز^۴ از زبان‌های مرسوم حبشی در منطقه جنوبی (Leslau, 1991: 210)، نزدیک‌ترین واژه به ریشه جنج در مقوله صرفی اسم و با شکل آوایی jeha / اسب رام شده دیده می‌شود که احتمال اشتراک ریشه ضعیف به نظر می‌آید.

در معتبرترین فرهنگ‌های اکدی^۵ (Black, 2000: 293-309) واژه‌ای دیده می‌شود که می‌تواند پیوند نزدیکی با ریشه جنج در زبان عربی داشته باشد. این واژه در مقوله صرفی اسم و با شکل آوایی joonaho به معنای تاریکی شب و افول خورشید به کار رفته است. در همین زبان واژه دیگری به شکل آوایی janah به معنای بال پرندگان بزرگ دیده می‌شود.

از زبان‌های مهم شمالی مرکزی، زبان عبری^۶ شناخته‌ترین و نزدیک‌ترین زبان به زبان کنعانی است. در فرهنگ‌های معتبر عبری موجود (Gesenius, 1939: 312-316) واژه‌ای نزدیک به ریشه جنج، در مقوله صرفی صفت، با شکل آوایی jonih به معنای سنگین قابل ردیابی است. پس از بررسی معتبرترین فرهنگ‌های موجود آرامی کهن (Jastrow, 1903: vol2) واژه‌ای که بتوان آن را نیایی برای ریشه جنج دانست یافت نشد. آنچه در بررسی ریشه این واژه در زبان‌های سامی گذشت در جدول زیر درج شده است.

جدول ردیابی ریشه جنج در زبان‌های سامی				
زبان	صورت کلمه	آوانگاری	معنا	منبع
سبئی	𐩦𐩣𐩪𐩥	Jonah	کوه	Beeston, 1982, p.207
	𐩦𐩣𐩪𐩥	janah	پرنده شکاری	Beeston, 1982, p.211
گعز	𐩦𐩣𐩪𐩥	jeha	اسب رام شده	Leslau, 1991, p.210
اکدی	𐩦𐩣𐩪𐩥	joonaho	تاریکی شب	Black, 2000, p. 309
	𐩦𐩣𐩪𐩥	janah	بال پرندگان بزرگ	Black, 2000, p.293
عبری	𐤍𐤏𐤍	jonih	سنگین	Gesenius, 1939, p.312

ابن‌درید و قرشی معتقد هستند که *جَنَاح* در اصل به معنای بال یا دو طرف چیزی است و از آنجا که بال پرنده یا دو طرف هر چیز در حالت حرکت، به *جَنَاحین* منحرف می‌شود، از این‌رو *جَنَاح* را انحراف از حق و راستی نامیده‌اند (شیبانی، ۱۹۷۵: ۱۷۸/۳؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۶۷/۲؛ قرشی، ۱۳۵۲: ۵۴/۲).

در *الافصاح*، افزون بر معنای تمایل داشتن در ریشه *جَنَح*، مؤلفه تبعیت کردن را نیز یاد شده است (موسی، ۱۴۱۰: ۱/۱۷۴). مهنا در *لسان‌اللسان*، *جَنَح* را به معنای روی آوردن می‌داند و در معنای *جَنَاح* ضمن یادکرد *اِثْم* در معنای *جَنَاح*، تحمل اذیت و سختی را نیز بیان می‌کند (*جَنَحَ مَا تُحْمَلُ مِنَ الْاِذْيِ وَ التَّضْيِيقِ*) (مهنا، ۱۴۱۳: ۱/۲۰۸).

مصطفوی *جَنَاح* را در اصل مصدر و یا اسم مصدر می‌داند، به معنی *انحراف و میل از عدل و استقامت* یا آنچه از آن حاصل می‌شود. او یگانه معنا در این واژه را عبارت است از میل و رغبت به چیزی یا کاری یا طرفی می‌داند. جنوح را نیز همان میل با عمل دانسته است، درحالی‌که میل، مطلق است و رغبت عبارت است از میل با علاقه درونی و محبت (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۱۷-۱۱۹). شریعتمداری در بیان معنای واژه فوق می‌گوید: «*جَنَاح* در اصل به معنای تمایل به یک سمت است و از آنجا که گناه انسان را از حق منحرف می‌کند به آن *جَنَاح* می‌گویند». بنابراین *جَنَاح* روگردانی از حق و یا انحراف از حق است و تعبیر *لا جَنَاح* در آیات ۱۵۸ بقره و ۱۰۱ نساء برای نفی توهم تحریم است (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۳۹۵/۱).

نتیجه‌گیری: با توجه به آنچه رفت، شاهد تضییق یا بسط معنایی در آراء لغویون نبوده و می‌توان گفت غالب لغویون معتقد هستند که ریشه *جَنَح* به معنای میل کردن و *جَنَاح* را در اصل به معنای بال یا دو طرف چیزی دانسته و از این منظر *جَنَاح* را انحراف از حق معنا کرده‌اند. *اِثْم*، تبعیت کردن و تحمل سختی و اذیت نیز در معنای *جَنَاح* یاد شده است. مفهوم تبعیت و تحمل سختی به ترتیب در *لسان‌اللسان* و *الافصاح* بیان شده است.

۲-۳. مؤلفه‌های معنایی *جَنَاح* در بررسی روابط هم‌نشینی
با مروری بر بافت معنایی *جَنَاح* در قرآن کریم درمی‌یابیم که این واژه، شبکه معنایی متفاوتی نسبت به دیگر مفاهیم حوزه گناه را دربر می‌گیرد. تمام آیات این مفهوم در سور مدنی قرار گرفته‌اند و شامل احکام و الزامات دین در جامعه مسلمان است. این احکام شامل: طلاق، مهریه، نکاح، حجاب، نماز سفر، نماز خوف، احکام حج

نتیجه‌گیری: بنابر داده‌های ریشه‌شناسی، واژه‌هایی که با شکل آوایی *جَنَاح* پیوند دارند در زبان‌های سامی به معنای کوه، تیرگی شب و تاریکی شدید بودند، که در این معنای مؤلفه‌های ثقالت (سنگینی) و ظلمت خودنمایی می‌کند و واژه‌های که به *جَنَاح* نزدیک هستند در معنای *بال پرنده‌گان، پرنده‌های شکاری* و حرکت کاربرد داشتند. این درحالی است که لغت‌شناسان ریشه *جَنَاح* را از *جَنَح* دانسته و آن را *انحراف از حق* تبیین می‌کنند. از این منظر می‌توان به ارزیابی آراء لغویون پرداخت. از جمله نشانه‌های واژگان اصیل در یک زبان، میزان تصریف و حجم واژگانی است که در یک زبان از یک ریشه ساخته شده باشد، لذا با توجه به تصریف نداشتن این ماده در زبان عربی، به نظر می‌رسد واژه مذکور تحت تأثیر عامل خارجی به عربی راه یافته و در این زبان درونی نشده است.

۲-۲. حوزه معنایی *جَنَاح* در کتب لغت

در این بخش با نگاهی به نظرات لغت‌شناسان، وجود یا عدم وجود تعدد معنا در یک زمان و سیر تطور معنایی در طول زمان، تضییق و بسط معنایی، را می‌یابیم.

فراهیدی و ازهری *جَنَح* را به معنای تمایل نشان دادن و روی آوردن معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۳/۳؛ ازهری، ۲۰۰۱: ۴/۹۳). ابن‌درید نیز همین معنا را چنین بیان می‌کند: «و کل مائل إلى الشيء فقد *جَنَحَ* إليه» (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۱/۴۴۲). در *المحیط اللغه* نیز، *جَنَح* به معنای تمایل به چیزی و *جَنَاح* به معنای *اِثْم* و انحراف از حق بیان شده است (صاحب، ۱۴۱۴: ۲/۴۱۱). جوهری نیز روی آوردن و تمایل داشتن را در تبیین معنای آن ذکر کرده و *جَنَاح* را به معنای *اِثْم* بر می‌شمرد (*جَنَحَ*، أَى مَالٍ، الْجَنَاحُ بِالضَّمِّ، الْاِثْمُ) (جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۶۰).

راغب اصفهانی در تبیین این ریشه، به *الجَنَاح* به معنای بال پرنده اشاره کرده و *جَنَاحیه* را به معنای پهلوها و کرانه‌های هر چیز، یعنی دو بالش برمی‌شمرد و می‌گوید: «*جَنَحَتِ العیر فی سیرها* یعنی شتر شتاب کرد گویی که از دستانش یاری می‌جوید. *جَنَحَ اللَّیْلُ*، یعنی شب سیاهیش را بگسترانید. *الجَنَحُ*، قسمتی از شب تاریک است. *جَنَاح* یعنی، اثم و گناه، و چون انسان را از حق دور و منحرف می‌کند، *جَنَاح* نامیده شده و سپس هر گناهی را *جَنَاح* نامیده‌اند» (راغب، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۶).

ابن‌فارس نیز وجه تسمیه *جَنَاح* به گناه را این می‌داند که از راه حق میل کرده و منحرف می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۲۲: ۲۰۹). شیبانی،

می‌گوید: «عرب، حرف اضافه‌ی علی را باری افعال و امور سنگین به‌کار می‌گیرد، از این جهت که در راستای انجام این افعال فرد متحمل سنگینی و فشار می‌شود و فرد می‌بایست از عهده‌ی آن برآید و بر انجامش موفق شود» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۹/۱۵). دقت در سیاق آیات و نوع کاربست حرف علی، حاکی از آن است که گویا خداوند متعال با عبارت لا جُنَاحَ عَلَیْهِ و لَیْسَ عَلَیْهِ جُنَاحٌ ایجاد نوعی سنگینی و احاطه را رفع می‌کند.

۲-۳-۲. منع

باهم‌آیی واژگان حُدُود، حُكْم، الْفَرِیضَه و حُرْمَتِ نشان از برجسته‌ترین مؤلفه‌ی حوزه‌ی معنایی جُنَاح، بیان حکم الهی و الزامات دین و به بیان دیگر منع است. سیاق آیات نیز از این مؤلفه حکایت دارد. در این بخش، نخست به این باهم‌آیی‌ها پرداخته و سپس جهت مؤیدی بر آن، نموداری جهت تبیین نمای کلی آیات ترسیم می‌شود.

حدود الله از مفاهیم هم‌نشین در بافت معنایی جُنَاح است. در دو آیه با بسامد ۴ بار این مفهوم در باهم‌آیندی با واژه جُنَاح بیان شده است (بقره/۲۳۰، ۲۲۹). واژه حدود در قرآن کریم با بسامد ۱۰ آیه به اشکال حُدُودُ اللَّهِ، حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ حُدُودَهُ ذکر شده است که در تعدادی از آن‌ها مستوجب عذاب دنیوی و اخروی است و در غالب موارد برای بیان احکام الهی کاربرد داشته است. لغویون حد را به معنای واسطه میان دو چیزی که مانع از اختلاط، و آمیختگی آنها به یکدیگر می‌شود، می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۳۱۰/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۲/۲). مصطفوی نیز همین مفهوم را در عبارت الْحَدُّ فِی اللُّغَةِ، الْفَصْلِ وَ الْمَنَعِ بیان می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۲۰۸).

در آیه ۲۲۹ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَ لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْنَاهُمْ شَرِيحاً إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». مراد آیه طلاق دادن زن به وجه نیکو و نیز نگه‌داشتن آن به وجه نیکوست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۳۵۰). در پایان آیه تعدی و تجاوز به این حد الهی از مصادیق ظلم برشمرده می‌شود. در آیه ۲۳۰ بقره نیز این باهم‌آیی با بسامد دو بار دیده می‌شود. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ». طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه تکرار

(سعی صفا و مروه و کسب معاش در حج)، گواه گرفتن در معامله، ارث، اقامه نماز در جنگ و... هم‌نشینی مفاهیمی مانند: فریضه، حدود، حکم و حرم در شبکه معنایی جُنَاح شاهدهی بر تبیین حکمی از اوامر الهی و رفع انحراف در الزامات دین است؛ بیان تخصیص یک حکم کلی یا رفع توهم گناه. کاربست مکرر حرف جر علی در رابطه مکملی با جُنَاح، از مؤلفه احاطه و سنگینی در این واژه حکایت می‌کند که دریافت‌های ریشه‌شناسی نیز آن را تأیید می‌نماید. در ادامه، طریق دست‌یابی به این دو مؤلفه، ثقلت و بیان احکام، بیان می‌شود.

۲-۳-۱. احاطه و ثقلت

بیشترین باهم‌آیی در شبکه معنایی جُنَاح با بسامد ۲۳ مرتبه به حرف جر علی تعلق دارد. در آیه ۱۹۸ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ أذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ». در آیه ۱۰۱ سوره نساء به نماز خوف اشاره و می‌فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِيناً». در آیه ۲۹ سوره نور، حکم داخل شدن در خانه غیر را چنین می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ». در آیه ۹۳ سوره مائده، به رفع گناه خوردن شراب و مال قمار پیش از نزول آیه حرمت بر مردمی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند، بیان می‌شود (لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...).

در آیه ۱۵۸ سوره بقره می‌فرماید که مانعی و اشکالی بر او نیست که سعی میان صفا و مروه نیز بجا بیاورد (إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...). در آیه ۱۲۸ سوره نساء درباره کجروی و نافرمانی مرد نسبت به همسر خود می‌فرماید: «وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزاً أَوْ إِعْرَاضاً فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحاً...». ترکیب لا جُنَاحَ عَلَیْهِ و لَیْسَ عَلَیْهِ جُنَاحٌ در ۲۳ آیه از بافت معنایی جُنَاح به‌کار رفته است. لذا مفهوم حرف جر علی از این منظر حائز اهمیت است.

در منابع برای کاربرد حرف جر علی، ۹ مفهوم متفاوت ارائه شده و استعلاء به عنوان معنایی کانونی ذکر شده است (ابن هشام، ۱۳۷۸: ۱۹۹-۱۹۱). ابن منظور در لسان العرب به نقل از ابن جنی

دوباره حدود الهی به سبب آن است که منظور غیر از حدود قبلی است. ازدواج مجدد زن با شوهر قبلی خویش متوقف به زمانی است که احتمال قوی بدهد می‌تواند احکام شرع را مراعات کند. عبارت حدود الله در پایان آیه خبر از احکام دین برای امکان رجوع زن پس از سه طلاق است.

فریضه، از دیگر واژگان هم‌نشین در بافت معنایی جُنَاح است که سه مرتبه و در دو آیه به کار رفته است (بقره/۲۳۶؛ نساء/۲۴). فرض در اصل به معنای بریدن شیء محکم و تأثیر در آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۹۸/۱۲؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۹/۹). به همین جهت در معنای وجوب استعمال می‌شود. برای اینکه انجام دادنش واجب و امتثال امرش قطعی و معین و بدون تردید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷/۵). مصطفوی نیز تکلیف و الزام را در معنای آن یاد کرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶۳/۹). فریضه در قرآن در مورد مهریه از آن جهت که چیز معین شده است به کار رفته است (بقره/۲۳۶؛ نساء/۲۴). در بافت معنایی جُنَاح و در باهم‌آیندی با فریضه، در آیه ۲۳۶ بقره سخن از طلاق قبل از عمل زناشویی (بقره/۲۳۶: لا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ إِن طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِیضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَى الْمُحْسِنِينَ) و مضمون آیه ۲۴ نساء دادن مهریه است (وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَکَتْ أَيْمَانُکُمْ کِتَابَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ أَجَلَ لَکُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِکُمْ مُحْصِنِينَ غَیْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِیضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ فِيمَا تَرَاضِیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِیماً حَکِیماً). لذا هم‌نشینی این واژه و دقت در معنی قطعی بودن امتثال در آن نشانی از الزامات دین در بافت معنایی جُنَاح است.

حکم، از در دیگر واژگان هم‌نشین با جُنَاح است. واژه عربی حکم مصدر و اسم مصدر از ریشه حکم به معنای قضاوت کردن، باز داشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۹/۳؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۳/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۹/۲). مصطفوی در بیان معنای آن می‌گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ، هُوَ مَا يَحْمَلُ عَلَى مَوْضُوعٍ وَ يَلْحَقُهُ وَ مَا بِهِ يَتَحَقَّقُ الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ، إِذَا كَانَ عَنْ بَتِّ وَ يَقِينُ» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۹/۲). لذا در معنای حکم، الزام، امر و نهی مشهود است. در آیه ۱۰ سوره ممتحنه خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ

لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَیْسُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَکِیْمٌ». مضمون آیه سخن از امکان نکاح با زنانی است که با عنوان اسلام از دیار خود هجرت کرده‌اند، رفته است. در این آیه حکم به سه شکل حُكْمٌ، يَحْكُمُ وَ حَکِیْمٌ ذکر شده است که دو شکل نخست در بیان وجوب دادن مهریه به زنانی است که مسلمان شده و هجرت کردند و طلب کردن مهریه از زنانی که کافر شده و به کفار ملحق شده‌اند. عبارت لا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ در بیان جواز ازدواج با زنانی که به سوی پیامبر هجرت کرده‌اند. لذا باهم‌آیندی ریشه حکم با جُنَاح و دقت در معنای آن، نشانی از الزامات دین در بافت معنایی جُنَاح است.

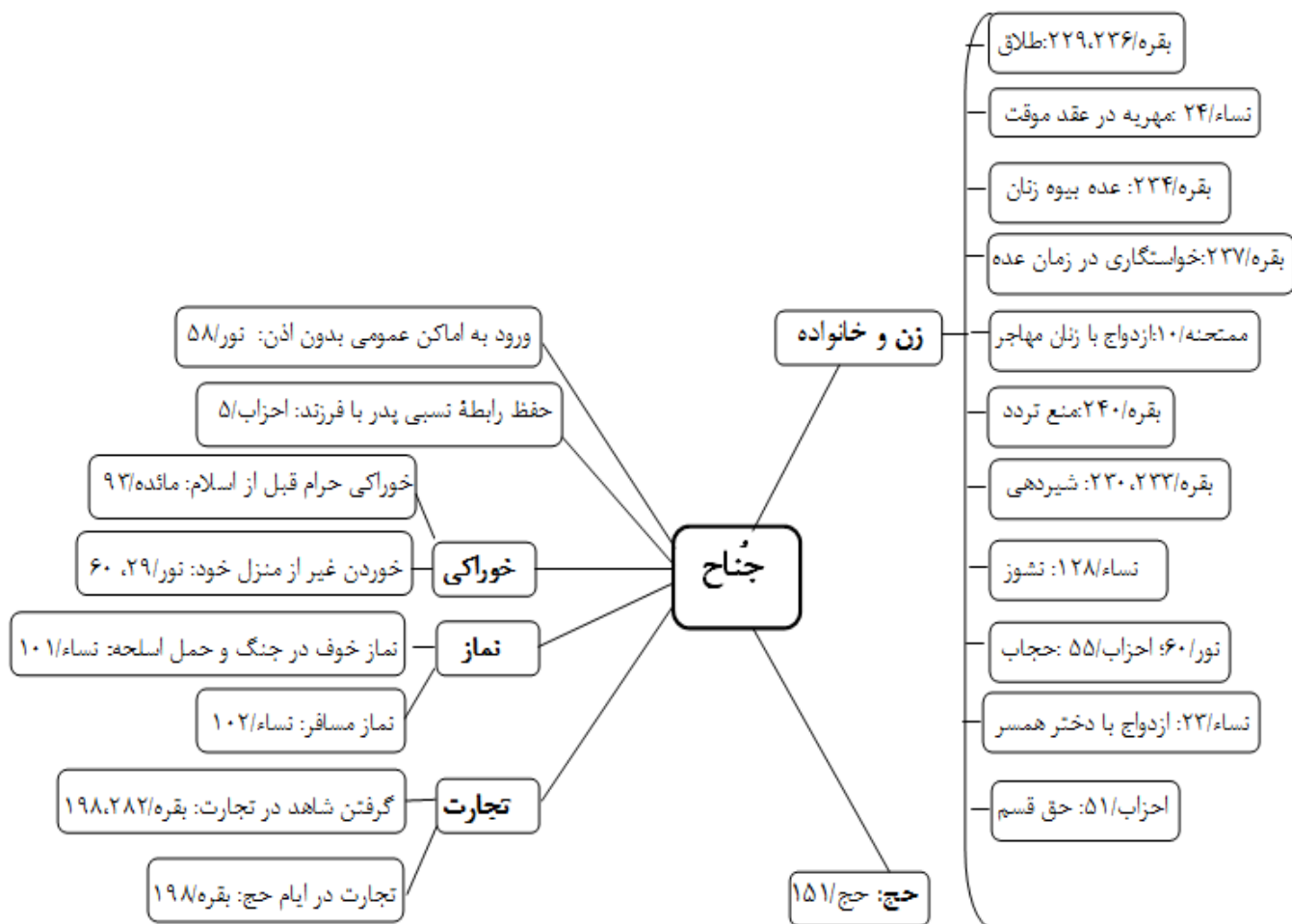
حرم، از دیگر مفاهیم هم‌نشین در بافت آیات جُنَاح است. ریشه حرم در یک آیه (نساء/۲۳) هم‌نشین واژه جناح است. حرم در لغت به معنای منع است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۵/۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۴: ۱۸۹/۳) و برخی آن را منع چیزی پیش از به وجود آمدن آن دانسته‌اند و در اصطلاح، حرمت شیء به معنای روانبودن هتک آن است یا به حکم شرعی گفته می‌شود که به شکل الزامی از عمل یا شیء که به آن تعلق گرفته است منع می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۲۰۴). امور حرام و ممنوع، گاه در حوزه اندیشه و عقایدند؛ مانند شرک به خدا (انعام/۱۵۷) و گاه مربوط به رفتارهای عملی‌اند؛ مانند کشتن انسان‌های بی‌گناه (اسراء/۳۳).

در آیه ۲۳ سوره نساء خداوند متعال به ازدواج‌های ممنوع اشاره می‌کند و می‌فرماید: «حَرَمْتُ عَلَیْکُمْ أُمَّهَاتِکُمْ وَ بَنَاتِکُمْ وَ أَخَوَاتِکُمْ وَ عَمَّاتِکُمْ وَ خَالَاتِکُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُکُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِکُمْ وَ رَبَائِبُکُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِکُمْ مِنْ نِسَائِکُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَانِکُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِکُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِیماً».

درباره حرمت این ازدواج‌ها هیچ تقید و تخصصی دیده نمی‌شود و در هیچ حالی حلال نیستند. در یکی از این ازدواج‌های حرام، به نکاح با دختر همسر اشاره کرده و می‌فرماید که اگر که با مادر ربیبه دخولی صورت نگرفته، می‌توانید با خود ربیبه ازدواج کنید. فلاجناح ... رفع تصور گناه ازواج با ربیبه را با شرط فوق بیان می‌کند. با توجه به آنچه گذشت با توجه به باهم‌آیی‌ها، پس از ثقات، برجسته‌ترین مؤلفه معنایی جُنَاح، بیان احکام دین است که

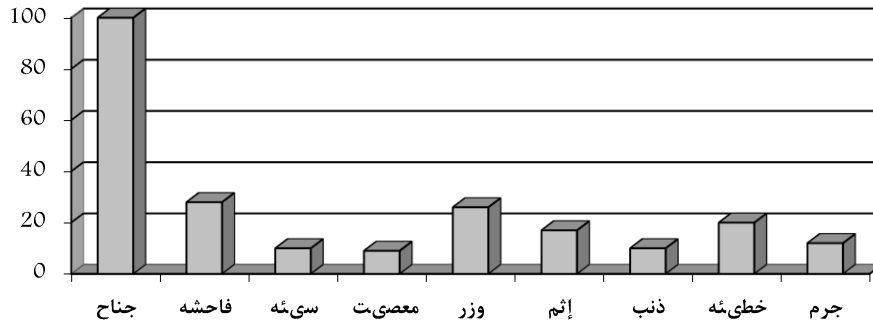
در ادامه نمایی کلی از مضامین آیات در قالب نموداری ترسیم می‌شود.

نقطه افتراق این واژه با دیگر مفاهیم هم حوزه آن است. بافت معنایی جناح از رفع توهم گناه یا تخصیص حکم حکایت می‌کند.



(۲۶بار). نمودار زیر جهت تمییز جناح در این مؤلفه (بیان احکام) با دیگر واژگان هم حوزه آن (گناه) با لحاظ کردن بسامد آنان به درصد، ترسیم شده است.

در قرآن کریم واژگان متعددی با بسامد متفاوت، به مفهوم گناه دلالت دارند که عبارتند از: خطیئه (۲۲بار)، ننب (۳۵بار)، اثم (۴۸بار)، جرم (۶۱بار)، معصیت (۳۳بار)، فاحشه (۲۴بار)، سیئه (۱۶۵بار)، و زر



۲-۳-۳. رفع گرفتگی و انسداد

ریشه حل در ۴ آیه با بسامد ۵ بار، هم‌نشین واژه جناح است (ممتحنه/۱۰؛ بقره/۲۲۹، ۲۳۰؛ نساء/۲۳، ۲۴). مضمون آیات حاکی از آن است که می‌توان قائل به تقابل معنایی جناح با لایحل بود. راغب در بیان معنای حل می‌گوید: «حلّ، باز کردن گره است و حلّت، یعنی فرود آمدن که اصلش از باز کردن بارها در موقع فرود آمدن و منزل گزیدن است، سپس حلّ الشیء حلّاً، بصورت استعاره به کار رفته یعنی آنچه بخوبی باز شد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۱/۱). مصطفوی در معنای این ریشه می‌گوید: «أنّ الأصل الواحد في هذه المادّة، هو رفع العقد و الحرمة. و يدلّ عليه وقوعها في مقابل الحرمة» (مصطفوی، ۱۳۴۰: ۳۱۷/۲). لذا در معنای این ریشه، رفع حرمت و رفع گرفتگی مشهود است.

این ریشه در ۴ آیه با مفهوم جناح باهم آیند است. در آیه ۱۰ سورة ممتحنه خداوند متعال می‌فرماید: «يا أيّها الذین آمنوا إذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهنّ الله أعلم بما ینهنّ فإنّ علمتموهنّ مؤمنات فلا ترجوهنّ الی الکفار لا هنّ حلّ لهنّ و لا هنّ یحلّون لهنّ و...». مضمون آیه در خصوص حکم زنانی است که به پیامبر ایمان آورده و هجرت کرده‌اند. دو جمله لا هنّ حلّ لهنّ و لا هنّ یحلّون لهنّ مجموعاً کنایه است از همان انقطاع رابطه همسری، نه اینکه بخواهد حرمت زنان مؤمن بر مردان کافر و به عکس را توجیه کند.

در آیه ۲۲۹ سورة بقره خداوند متعال می‌فرماید: «الطلاق مرّتان فامساک بمرّوف أو تسریح بإحسان و لا یحلّ لکم أن تأخذوا ممّا آتیتموهنّ شیئاً إلاّ أن یخافا ألاّ یقیما حدود الله فإنّ خفتما ألاّ یقیما حدود الله فلا جناح علیهما فیما أفدتّ به تلک حدود الله فلا تعتدوها...». مضمون آیه در باب نگهداری زن به وجه معروف یا طلاق دادن او به وجه نیکو است. عبارت لا یحلّ لکم أن تأخذوا ممّا آتیتموهنّ شیئاً به حرمت باز گرفتن مهریه اشاره دارد. در آیه ۲۳۰ بقره خداوند متعال می‌فرماید:

«فإن طلقها فلا تحلّ له من بعد حتى تنكح زوجاً غیره فإن طلقها فلا جناح علیهما أن یتراجعا...». این آیه حکم طلاق سوم را که همان حرمت رجوع است بیان می‌کند.

در آیه ۲۳ نساء به ازدواج‌های ممنوع اشاره و می‌فرماید: «حرمت علیکم أمهاتکم و بناتکم و אחواتکم و عماتکم و خالاتکم و بنات الأخ و بنات الأخت و أمهاتکم اللاتی أرضعنکم و אחواتکم من الرضاعة و أمهات نسائکم و ربائکم اللاتی فی حُجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهنّ فإن لم تكونوا دخلتم بهنّ فلا جناح علیکم و حلّیل أبنائکم الذین من أصلابکم و أن تجمعوا بین الأختین إلاّ ما قد سلف إن الله کان عفوراً رَحِماً». در این آیه حلیت ازدواج با دختر زنانی که با آن‌ها عمل زناشویی انجام نشده است، بیان می‌شود. در آیه ۲۴ نیز خداوند متعال می‌فرماید: «و المَحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَکَتْ أیمانکم کتَابَ الله علیکم و أحلّ لکم ما وراء ذلكم أن تبتغوا بأموالکم مُحْصِنِينَ غَیْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِیضَةً و لا جُنَاحَ علیکم فیما تراضیتنّ به من بعد الفریضَةِ إنَّ الله کان عَلِیماً حَکِیماً». در این آیه با عبارت أحلّ لکم ما وراء ذلكم به حلال بودن هر زنی غیر از این شانزده طایفه اشاره می‌کند.

با دقت در آیای که گذشت، تقابل حلّ و جناح حاصل می‌آید، و معنای ریشه حلّ، حاکی از مفهوم رفع گرفتگی و حرمت است، لذا مفهوم حرمت، انسداد و گرفتگی از این تقابل به شبکه معنایی جناح تسری می‌یابد.

۲-۴. مؤلفه‌های معنایی جناح حاصل از بررسی روابط جانشینی

در این بخش با دقت در باهم‌آیندهای مفاهیم هم‌نشین، واژگانی

عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ لِمَنْ اتَّقَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ». عبارت «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ، اشاره به نوعی تخییر در اداء ذکر خدا، میان دو روز و سه روز می‌باشد.

برخی از لغت‌شناسان مفهوم کندی و تأخیر را در معنای اِئِمَّه یاد کرده‌اند (جوهری، ۱۳۷۶: ۵/ ۱۸۵۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/ ۳۸) و برخی دیگر به مفهوم ضرر و بازدارندگی آن از خیر اشاره کرده‌اند (راغب، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۴). دقت در قرابت ساختاری دو واژه اِئِمَّه و جناح (لا... علی ..) می‌تواند سبب پرتنگ شدن یکی از این دو مؤلفه شود. مفسران در تفسیر حرف علی در آیه ۴۴ سوره روم (مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نُفْسِهِمْ يُمَهِّدُونَ) به مفهوم ضرر اشاره کرده‌اند. علامه طباطبایی در تبیین عبارت مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ، می‌گوید: «ممکن هست مضاف حذف شده باشد، و تقدیر آن فعلیه و بال کفره باشد، یعنی هر کس کفر بورزد وبال کفرش بر خودش می‌باشد و ممکن هم هست مضافی در تقدیر نباشد و معنایش هر که کفر بورزد کفرش علیه و به ضرر خودش است، باشد، و به آتش جاودانه منقلب می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۱۹۸). ابن عاشور به طور مشخص در تفسیر این آیه به مفهوم ضرر اشاره کرده و حرف استعلاء را جهت بیان ضرر بر کافر، یاد می‌کند (اقتضی حرف الاستعلاء أن في الكفر تبعه و شدة و ضراً على الكافر) (ابن عاشور، بی‌تا: ۶۹/۲۱). لذا اگرچه نمی‌توان وجود مؤلفه کندی و تأخیر را به سبب این جانشینی نفی نمود و با بافت آیات جناح نیز هم‌سو می‌نماید، اما به سبب شکل ساختاری این جانشینی، مؤلفه ضرر پرتنگ‌تر جلوه می‌کند.

۲-۴-۲. مضیقه و فشار

پربسامدترین واژه در روابط مکملی با جُنَاح، علیکم (بقره/۱۹۸، ۲۸۲؛ نساء/۱۰۱؛ نور/۲۹۶۱؛ علیهن (نور/۶۰) و علیه (بقره/۱۵۸) است. در سیاقی نزدیک (رفع امر نامطلوب) این واژه‌ها با حرج در رابطه مکملی است (مائده/۶؛ حج/۷۸؛ احزاب/۳۸). لذا توجه به نزدیکی سیاق و قرابت ساختار آن در قرآن می‌توان حرج را از مفاهیم جانشین در بافت آیات جُنَاح برشمرد.

در آیه ۲۸۲ سوره بقره خداوند متعال از امرخویش در نحوه معامله بیان و در پایان آیه چنین می‌فرماید: «... فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَ أَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ ...». در این آیه، علیکم در رابطه مکملی با جُنَاح است.

خودنمایی می‌کنند که می‌توانند جانشینی برای جُنَاح به شمار آیند که عبارتند از اِئِمَّه و حرج. برآیند این جانشینی‌ها، دو مفهوم را به شبکه معنایی جُنَاح تسری می‌دهد که عبارتند از: ضرر و تنگی.

۲-۴-۱. ضرر

پربسامدترین واژه در روابط مکملی با جُنَاح، علیکم (بقره/۱۹۸، ۲۸۲؛ نساء/۱۰۱؛ نور/۲۹۶۱؛ علیهن (نور/۶۰) و علیه (بقره/۱۵۸) است. به طور مثال در آیه ۱۰۲ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ...». در آیه ۲۹ نیز این باهم‌آیی در احکام خوراکی‌ها بیان می‌شود (نور/۲۹): لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ...». در آیه ۱۵۸ بقره نیز خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا...». در سیاقی نزدیک (رفع امر نامطلوب)، ترکیب علی با اِئِمَّه در رابطه مکملی است (بقره/۱۷۳، ۱۸۲، ۲۰۳). اِئِمَّه و جُنَاح، از یک سو هر دو از مفاهیم حوزه گناه بود و لذا قرابت معنایی دارند و از سوی دیگر با قرابت ساختار مواجهیم، به عبارت دیگر فلا اِئِمَّه عَلَيَّ.. در برخی از آیات این حوزه، مشابه عبارت لا جُنَاحَ عَلَيَّ.. در بافت آیات جُنَاح است. از این منظر می‌توان اِئِمَّه را جانشینی برای جُنَاح یاد کرد.

در آیه ۱۷۳ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِئِمَّه عَلَيْهِ رَحِيمٌ». در این آیه افزون بر همراهی علیه، شاهد باهم‌آیی حرم، از دیگر مفاهیم هم‌نشین با شبکه معنایی جُنَاح هستیم. خداوند متعال در این آیه، تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک، و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن گفته شود تحریم کرده است. عبارت فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِئِمَّه عَلَيْهِ معنایش این است که هر کس مضطر و ناچار شد در حالی که نه باغی است و نه متجاوز، از آنچه ما حرام کردیم بخورد، در این صورت گناهی در خوردن آن نکرده، و اما اگر اضطرارش در حال بغی و تجاوز باشد، مرتکب اِئِمَّه شده است. در آیه ۱۸۲ سوره بقره نیز خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِئِمَّه فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِئِمَّه عَلَيْهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ». عبارت فلا اِئِمَّه عَلَيْهِ یعنی تغییر وصیت‌نامه به شرط اصلاح و رفع انحراف موصی، مانعیتی ندارد. در آیه ۱۰۳ بقره نیز خداوند متعال می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِئِمَّه

سختی و گناه را نیز حرج گفته‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۰: ۱/۴۷۶). مصطفوی در معنای آن چنین می‌گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ ضَغْطَةٌ مَعْنَوِيَّةٌ تَحْصُلُ مِنَ التَّجَشُّمِ وَ التَّكَلُّفِ وَ تَحْمَلُ الْمَشَقَّةَ» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۲۲۰). مفهوم تنگی و تضییق در معنای حرج، می‌تواند به سبب جانیشینی آن با جُنَاح، به شبکه معنایی آن راه یابد.

شایان ذکر است که افزون بر معنای ضرر در واژه/ثم، فراهیدی مفهوم حرج و تنگی را در تبیین این واژه بیان کرده است و چنین می‌گوید: «أَيْتَمَ فُلَانٌ يَأْتُمُ إِثْمًا، أَي: وَقَعَ فِي الْإِثْمِ، كَقَوْلِكَ: حَرَجَ إِذَا وَقَعَ فِي الْحَرَجِ. وَ تَأْتَمُّ، أَي: تَحْرَجُ مِنَ الْإِثْمِ وَ كَفَّ عَنْهُ» (فراهیدی، ۱۴۱۲: ۸/۲۵۱). لذا جانیشینی/ثم که در بخش پیشین گذشت، می‌تواند در این معنا از/ثم (تنگی)، مؤیدی دیگر بر مفهوم تنگی و مضیقه در جُنَاح باشد.

۴. تحلیل شبکه معنایی جُنَاح

دریافت‌های ریشه‌شناسی نشان داد که واژه‌هایی که با شکل آوایی جُنَاح پیوند دارند در زبان‌های سامی به معنای کوه، تیرگی شب و تاریکی شدید بودند و واژه‌های که به جُنَاح نزدیک هستند در معنای بال پرندگان، پرنده‌های شکاری و حرکت کاربرد داشتند. لغت‌شناسان ریشه جُنَاح را از جَنَح دانسته و آن را/انحراف/از حق تبیین می‌کنند. معنای گناه(ثم)، تبعیت و تحمل سختی و اذیت نیز در آراء لغت‌شناسان دیده می‌شود.

با مروری بر بافت معنایی جُنَاح در قرآن کریم درمی‌یابیم که این واژه، شبکه معنایی متفاوتی نسبت به دیگر مفاهیم حوزه گناه را دربر می‌گیرد. تمام آیات این مفهوم در سور مدنی قرار گرفته‌اند، که عبارتند از: بقره، نساء، مائده، احزاب، نور و ممتحنه. بافت معنایی این آیات شامل احکام دین در جامعه مسلمان است. این احکام شامل: طلاق، مهریه، نکاح، حجاب، نماز سفر، نماز خوف، احکام حج (سعی صفا و مروه و کسب معاش در حج)، گواه گرفتن در معامله، ارث، اقامه نماز در جنگ و... .

هم‌نشینی مفاهیمی مانند: فریضه، حدود، حکم و حرم در باهم‌آیی با جُنَاح شاهدهی بر تبیین حکمی از اوامر الهی است. بررسی بافت معنایی جُنَاح حاکی از آن است که مهم‌ترین مؤلفه در این احکام؛ بیان تخصیص یک حکم کلی یا رفع توهم گناه. دقت در معنای حرف جر علی که بیشترین باهم‌آیی را با این واژه دارد، مفهوم احاطه و سنگینی را به آن تسری می‌دهد. شایان ذکر است. مفهوم سنگینی و تاریکی در زبان‌های سامی، وجه کاربست جُنَاح

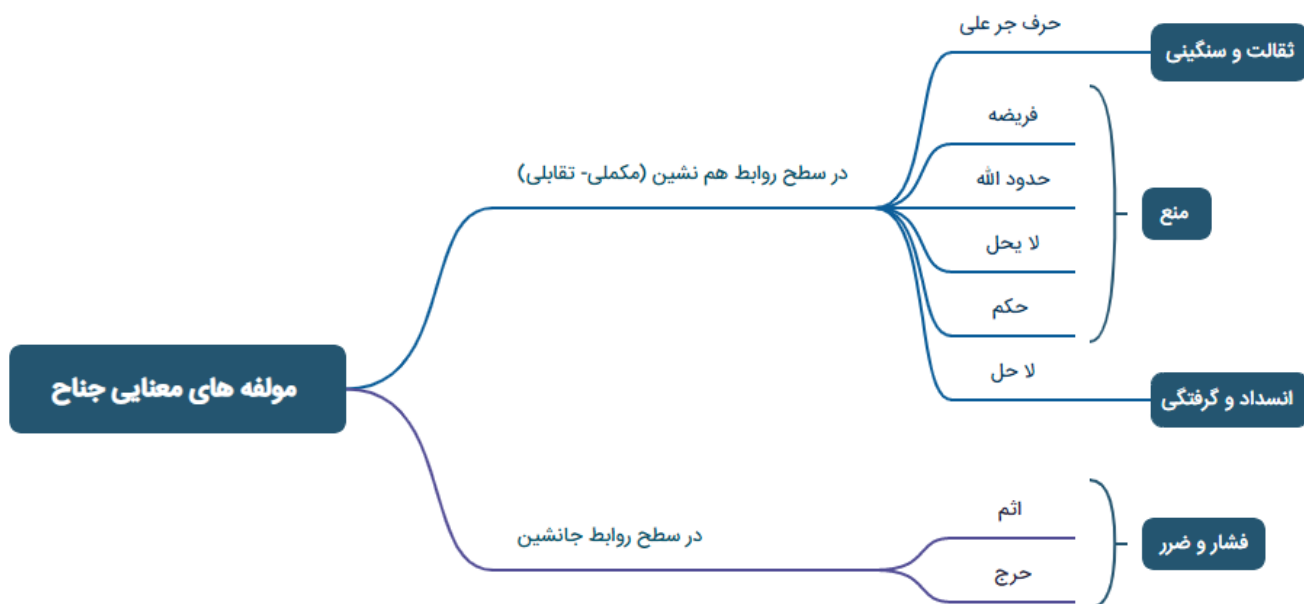
در آیه ۱۹۸ نیز از جواز تجارت در ایام حج سخن رفته است (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ...). در آیه ۶۱ سوره نور نیز برای مؤمنین حقی قائل شده، و آن این است که می‌توانند در خانه خویشاوندان، و یا کسانی که ایشان را امین می‌دانند، و یا خانه دوستان خود چیزی بخورند، البته به مقداری که بدان احتیاج دارند، نه به حد اسراف و افساد (نور/۶۱): .. لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ...

در آیه ۱۰۱ سوره نساء نیز واژه عليك در رابطه مکملی با جُنَاح است. مضمون آیه درباره نماز خوف و حکم نماز مسافر است (نساء/۱۰۱): وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ... . واژه عليه در آیه ۱۹۸ بقره با جُنَاح باهم‌آیند است (إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) و واژه عليهم نیز با جُنَاح در آیه ۶۰ نور هم‌نشین است (وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ...).

در آیه ۶ سوره مائده حکم طهارت‌های سه‌گانه یعنی غسل، وضو و تیمم بیان می‌شود. در این آیه حرج با عليكم در رابطه مکملی است (مائده/۶): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ). در آیه ۷۸ سوره حج از جهاد در راه خدا، اعم از جهاد نفس و قتال با دشمن، سخن رفته است و با عبارت مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ، سختی و حرج از دین برداشته می‌شود (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ... .) در آیه ۳۸ سوره احزاب خداوند متعال می‌فرماید: «مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ...»، یعنی هیچ‌گونه سختی و حرجی بر پیامبر (ص) در آنچه خدا برای او واجب کرده است نیست. در این آیات قرابت ساختار و معنا، سبب جانیشینی حرج با جُنَاح است. راغب اصفهانی در معنای حرج می‌گوید: «أَصْلُ حَرَجٍ وَ حَرَّاجٍ، انباشته شدن و گرد آمدن چیزی است و لذا معنی تنگی و سختی و فشار میان اجزاء آن چیز که متراکم است، تصور می‌شود سپس هر

هم‌نشین، واژگانی خودنمایی می‌کنند که می‌توانند جانشینی برای جُناح به شمار آیند. از این جانشینی، دو مؤلفه به شبکه معنایی جُناح تسری می‌دهد که عبارتند از: ضرر و تنگی. حلّ از مفاهیمی است که می‌توان به تقابل آن با جُناح اشاره کرد، با نظر به هسته معنایی ریشه حلّ، مؤلفه حرمت، انسداد و گرفتگی از این تقابل به شبکه معنایی جُناح راه می‌یابد.

به اشکال لاجُناح و لیس جناح در قرآن کریم را روشن می‌نماید و مؤیدی بر مؤلفه ثقالت و سنگینی است و کاربرد جُناح با لای نفی جنس و اسم ناقصه لیس، شاهدهی بر رفع سنگینی در آنهاست. انحراف از حق که در آراء لغت‌شناسان بیان شد نیز می‌توان در عدم خروج از الزامات و احکام دین نمود یابد. وجود مؤلفه ثقالت در زبان‌های سامی و نیز در بافت قرآن کریم، سبب تشکیک در نظریه فارسی بودن نیای جُناح است. با بررسی باهم‌آیندهای مفاهیم



References

Askari, Hasan ibn Abdullah (1400 AH). Al-Furuq fi al-Lughah. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah.
 Azarnoush, Azartash (2004). The Language of the Quran. Tehran: University of Tehran.
 Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). Tahdhib al-Lughah. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
 Beeston, A.F.L. et al.1982, Sabaic Dictionary (English-french-arabic), Louvain: peerters
 Black, J. et al.(2000), Aconcise Dictionaty of Akkadian, Wiesbaden:Harrassowits Verlag
 Dalman, GH. 1901, Aramaish- Neuhebraisches Worterbruch zu Targum, Talmud und Midrash, Frankfurt: M.J. Kauffmann
 Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad ibn Umar (1420 AH). Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). Beirut: Dar al-Turath al-Arabi.
 Firoozabadi, Muhammad ibn Yaqub (1415 AH). Al-Qamus al-Muhit. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
 Gesenius, W.(1939), AHebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt, tr.E Robinson, ed. F. Brown, Oxford University Press

Ibn Faris, Ahmad (1404 AH). Mu'jam Maqayis al-Lughah. Qom: Maktab al-I'lam al-Islami.
 Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1404 AH). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sader.
 Jastrow, M.(1903), A dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yeushalmi, and the Midrashic Literature, New York:G.p. putnams Sons. Vol.2
 Jawhari, Ismail ibn Hammad (1997). Al-Sihah (Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyah). Edited by Ahmad Abd al-Ghafur Attar, Beirut: Dar al-Ilm lil Malayin.
 Khalil ibn Ahmad Farahidi (1409 AH). Al-Ain. Qom: Nashr-e Hejrat.
 Kulayni, Muhammad ibn Yaqub (1407 AH). Al-Kafi. Editor: Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
 Leslau, W. (1991), Comparative Dictionary of Geez (classical Ethiopic), AHebrew and English Wiesbaden: Harrassowitz
 Lipniski, Edward(2007), SIN, Encyclopdia Judaica, Micheal Berenbau, New York, Macmillan

Reference.

- Lyons, John (2012). *An Introduction to Linguistic Semantics*. Translated by Koorosh Safavi. Tehran: Nashr-e Elmi.
- Mostafavi, Hasan (1430 AH). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
- Pakatchi, Ahmad (2011). "Etymology of the Quranic word Qayyum". *Quran and Hadith Studies*. 10(8). 65-81.---, (2017). "An Etymological Approach to the Quranic Root 'Azm'". *Linguistic Research of the Quran*. 21(11). 21-42.
- Palmer, Frank Robert (1995). *A New Look at Semantics*. Translator: Koorosh Safavi. Tehran: Ketab-e Mad.
- Qarashi, Ali Akbar (1992). *Qamus Quran*. Tehran: Islamiyah.
- Raghib Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1412 AH). *Mufradat fi Gharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Rahnama, Hadi (2011). *Semantics of the Names of the Hereafter in the Holy Quran*. Tehran: Imam Sadiq (AS) Publications.
- Safavi, Koorosh (2008). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr Publications.--- (2000). *Descriptive Dictionary of Semantics*. Tehran: Farhang Moaser.
- Sini, Ismail (1414 AH). *Al-Maknaz al-Arabi al-Mu'asir*. Beirut: Maktabat Lubnan Nashirun.
- Tarhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (1996). *Majma al-Bahrain wa Matla al-Nayyirain*. Tehran: Mortazavi.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (undated). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Zabidi, Muhammad ibn Muhammad (1414 AH). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Fikr.